

بی تابعیت ها!

مجادله وزیر اطلاعات دولت تدبیر و امید با دادستان کل کشور بر سر وجود یا عدم وجود مدیران دو تابعیتی در دولت، قرینه آن را ننده شیرین عقلی است که در اتوبان خلاف جهت حرکت می کرد و وقتی از رادیو خودرواش شنید که مخبر می گوید: یه نفر دیوونه در اتوبان خلاف مسیر خودروها داره حرکت می کنه! از موضع تحریک و حق به جانبی گفت:

یه نفر دیوونه داره خلاف جهت حرکت می کنه؟ این همه دیوونه داره خلاف جهت حرکت می کنه!

آقای علوی (وزیر اطلاعات) نیز در حالی منکر وجود مدیران دو تابعیتی در کادر دولت می شوند که در نقطه مقابل ایشان آقای منتظری (دادستان کل کشور) ضمن گله از بی توجهی دولت نسبت به برکناری مدیران مذبور اظهار داشته اند:

خبر داریم برخی از مسئولان دو تابعیتی هستند و این خلاف قانون است ... دو تابعیتی به این معناست که در صورت بروز جرم، میتواند از کشور فرار کند ... چرا دولت با مسئولان دو تابعیتی برخورد نمیکند؟

هر چند دغدغه آقایان علوی و منتظری بر سر تصفیه بدنه دولت از مدیران دو تابعیتی در جای خود ما جور است اما مصیبت اصلی جای دیگری است و آقایان آدرس را اشتباه گرفته اند!

علی رغم باورداشت توأم با حُسن ظن آقایان اما واقعیت آن است که درد امروز بدنه مدیریتی کشور قبل از دو تابعیتی بودن برخی از مدیران، بی تابعیتی و بی شرافتی و بی وجودانی و بی حیثیتی و بی اصل و نسبی و حرامزادگی ایشان است که به ایشان این اجازه را می دهد بدون تقید به هیچ تابعیت و ملیت و انسانیت و شرافتی دست در خزانه کشور ببرند و یا بموقع مانند محمود رضا خاوری فلنگ را ببنند و یا زبردستانه تر از خاوری بدون نیاز به فرار کردن با پوشش حقوق ها و املاک نجومی شکمبه های سیری ناپذیر خود را با مال و لقمه حرام و شبه ناک فربه کنند.

برخلاف باورداشت توأم با حُسن ظن آقایان علوی و منتظری در تجربه «خاوری» آنچه خاوری را در اختلاس و فرار بموضع از کشور یاری رساند دو تابعیتی نبود. بی تابعیتی و بی شرفی و رذالت و پستی و پُفیوزی

بود!

آقایان آنچنان از لزوم پاکسازی دولت از لوث وجود منحوس دو تابعیتی ها می نالند کآنه صدر تا ذیل مملکت توسط تک تابعیتی های وطن دوست و خدمتگذاری که بام تا شام هیچ دغدغه ای جز خدمت به خلق و رعیت ندارند بشکلی به اشغال در آمده که هرآئینه مملکت در شُرُف ترکیدن از برکت وجود این همه تک تابعیتی خدمتگذار است!؟

گیریم همه دو تابعیتی ها از بدنہ مدیریتی کشور سرند کردید در آن صورت بر این باورید الباقی خواهان و برادران «تک تابعیتی شاغل به خدمت در مملکت» مُنیرالناصیه و علیه السلامند!؟

مزید اطلاع مسئولین ارشد نظام معروض می دارد:

بالای ۹۰ درصد ایرانیان مقیم ایالات متحده آمریکا برخلاف ماده ۹۸۹ قانون مدنی ایران مبنی بر ممنوعیت اخذ تابعیت خارجی در کمال بی آزرمی و در اوج شرمندگی از ملیت خود بی شرمانه به تابعیت آمریکا درآمده و در مراسم رسمی و قانونی سوگند شهروندی آمریکا را در دادگاه قرائت کرده و با صراحة ابراز داشته اند: تا ضمن تابعیت از قانون اساسی و قوانین ایالات متحده هرگونه تعهد و وفاداری به کشور قبلی خود را واگذاشته و در صورت جنگ و برای کمک به نیروهای مسلح آمریکا سلاح به دست گرفته و برای آمریکا بجنگد! (۱)

علی رغم این آیا مسئولین محترم در داخل کشور تصور می فرمایند آنها که در داخل کشور مانده و بر تابعیت ملی و میهنه خود ملتزم و متعهد مانده اند مانائی و پایائی شان بر ملیت و ایرانیت شان از سر درد و غیرت و شرف بوده؟

در شرف فروشی دو تابعیتی ها تردیدی نیست اما این بمعنای شرافتمندی فله ای جمیع ایرانیان به صفت ماندگاری شان بر ملیت و کشورشان نیست. فرصت و عرضه اش را نداشته اند والا بموقع خوش می خرامند و به نیم آوائی بکفايت و مهارت در زمین اجنبی خواهند رقصید! آنها که در ایران مانده و بر تابعیت ملی خود استواری کرده اند هیچ فضیلتی بر آن شرف فروشان ترک تابعیت کرده، ندارند.

مصيبت آن نیست که دو تابعیتی ها بی شرف اند! مصيبت اصلی آن است که حرمت خدمت و شرف خیانت در ایران سکه یک پول شده و آن چه که در این میان مفقود مانده خاستگاه اخلاق و معرفت و فضیلت است.

شرف انسان به تابعیت ملی و خاستگاه میهندی اش نیست. فضیلت و اخلاق و معنویت و شعور و انسانیت و حُریت با محل تولد به انسان تنقیه نمی شود!

پارسائی و رستگاری، شعور و آداب دانی، اخلاق و عیاری و انسانیت و غیرت مندی محصول تهذیب نفس و مکاشفه و مراقبه و تهجد و تعبد و تقید عملی به منهیات و مستحبات و مکروهات و محرمات عقلی و شرعی و اخلاقی است.

بدین منوال ایرانی بودن بالذات واجد هیچ ارزشی نیست تا بتوان برای ترک تابعیت یا حفظ تابعیت «ایرانی» تخصیص ارزش یا صد ارزش کرد.

اعتبار انسان به شرف و شعور انسان است که در گرو هیچ تابعیتی قرار ندارد.

مسئولین محترم کشور اگر دغدغه منافع و مصالح کشور از گزند دو تابعیتی ها را دارند قبل از آنکه با ذره بین بدنبال یا بش درخت در جنگل باشند! همان دو تابعیتی های مشهود و موجود در ایالات متحده را با توسل به ماده ۹۸۹ قانون مدنی از طریق مصادره اموال غیر منقول شان نقره داغ کنند تا اولاً آمریکائی شدگان مجبور تقاض خوشقصی در زمین اجنبی را با پرداخت هزینه ما به ازا کنند و از سوی دیگر با دولت ایالات متحده که وقت و بی وقت به خودش اجازه می دهد اموال و دارائی های ایران را به behane هائی کاذب مصادره کند اینک و از طریق جویستو کردن (۱) مقابله به مثل کرده تا آنگاه هم از انژری حریف علیه خودش و در زمین خودش بهره ببرد و هم به آن وطن فروشان آمریکائی شده نشان دهد آیا دولت کشور جدیدشان حاضر هست در مقام دفاع از حق و حقوق این شهروندان درجه چهلم آمریکا برآید؟ (۲)

۱ - ماده ۹۸۹ قانون مدنی ایران: هر تبع ایرانی که بدون رعایت مقررات قانونی بعد از تاریخ ۱۲۸۰ شمسی تابعیت خارجی تحصیل کرده باشد تبعیت خارجی او کان لم یکن بوده و تبع ایران شناخته میشود ولی در عین حال کلی اموال غیر منقوله او با نظارت مدعی العموم محل به فروش رسیده و پس از وضع مخارج فروش، قیمت آن به او داده خواهد شد و بعلاوه از اشتغال به وزارت و معاونت وزارت و عضویت

مجالس مقننه و انجمن‌های ایالتی و ولایتی و بلدی و هرگونه مشاغل دولتی محروم خواهد بود.

2 - جو چیتسو در ترمینولوژی ژاپنی به استفاده از نیروی حریف علیه خودش و در زمین خودش اطلاق می شود